

طبقه‌بندی تغییرات ساختواژی در فرایند وام‌گیری واژه‌ها از زبان ترکی به فارسی^۱

سید محمد حسینی معصوم^۲

دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور

حیدرعلی امینی^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

مسیح‌اله نعمتی^۴

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

زبان به عنوان پدیده‌ای زایا و پویا همزمان با پیشرفت بشر در حال تغییر است. یکی از تغییراتی که در اغلب زبان‌ها اتفاق می‌افتد، وام‌گیری ناشی از روابط گسترده اهالی زبان‌های مختلف است. وام‌گیری انواع مختلفی دارد که عبارتند از: وام‌گیری آوایی، وام‌گیری واژگانی و وام‌گیری دستوری. واژه‌ها از نظر ساختمان به انواع ساده (بسیط)، مرکب، مشتق و مشتق مرکب تقسیم می‌شوند؛ اما در فرایند وام‌گیری، گاه این ساختمان دچار تغییر می‌شود و عنصر قرضی می‌تواند در زبان مقصد به گونه‌های متفاوتی ظاهر شود. مقاله حاضر با بررسی ۱۰۰۰ واژه قرضی که از ترکی وارد فارسی شده‌اند، به طبقه‌بندی آنها بر اساس ساختمان و تغییراتی که پس از قرض‌گیری در آنها رخ داده است، پرداخته و آنها را در ۷ طبقه شناسایی و دسته‌بندی می‌کند. این فرایندها به ترتیب فراوانی عبارتند از: ۱- مشتق ترکی به ساده فارسی ۲- ساده ترکی به ساده فارسی ۳- مرکب ترکی به ساده فارسی ۴- مشتق مرکب ترکی به ساده فارسی ۵- وند ترکی به وند فارسی ۶- وند ترکی به واژه ساده فارسی و ۷- واژه ساده ترکی به وند فارسی. نتایج نشان می‌دهد که فرایند وام‌گیری در زبان فارسی کمتر به ساختار ساختواژی واژه‌های وام گرفته‌شده حساسیت نشان می‌دهد و آنها را به صورت یک واحد به زبان فارسی وارد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: واژه‌های قرضی، وام‌گیری، ساختواژه، زبان ترکی، زبان فارسی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۰

hosseinimasum@pnu.ac.ir

aliamini1348@yahoo.com

m_a_nematy@yahoo.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۸

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۴- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

زبان‌ها پیوسته در حال تغییر هستند و بنا به ضرورت از شیوه‌های مختلفی برای افزایش و غنی‌سازی واژگان یا رفع نیازهای خود بهره می‌برند؛ یکی از این شیوه‌ها، وام‌گیری است. در گذر زمان، گویشوران زبان‌های مختلف بنا به دلایل متفاوت از جمله جنگ، پیشرفت علم و فناوری، مسافرت، تجارت و مسائل دیگر مجبور به کاربرد واژگان، دستور، آواها و مقوله‌های دیگر یک زبان در گفتار و نوشتار خود شده‌اند که این اتفاق را می‌توان یکی از عوامل پویایی و حرکت رو به جلوی زبان دانست. فرایند فوق در زبان‌شناسی با مفهوم وام‌گیری^۵ ارتباط پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد زبان فارسی نیز از این قانون مستثنا نبوده و واژه‌های بی‌شماری را از دیگر زبان‌ها قرض گرفته است که از آن جمله می‌توان به زبان عربی، مغولی، انگلیسی و ترکی اشاره کرد. واژگان زبان ترکی نیز در جریان داد و ستدهای زبانی به زبان‌های مختلف و از جمله زبان فارسی وارد شده‌اند و این مقاله سعی در بررسی تغییرات ساختوازی واژگان قرضی زبان ترکی در زبان فارسی دارد.

بعد از زبان عربی شاید زبان ترکی بیش از هر زبان دیگری بر فارسی تأثیر داشته است. حضور واژگان زیاد زبان ترکی در فارسی عمدتاً ناشی از دو دلیل است: اول، حاکم بودن حدود ۱۰۰۰ سال حکام ترک از جمله حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، تیموریان و همچنین سلسله‌های ترک‌زبان آق‌قویونلو و قره‌قویونلو و به دنبال آنها با روی کار آمدن صفویان که سپاه و قشون آنها نیز بیشتر از قبیله‌های قزل‌باش تشکیل می‌شدند، ادامه ورود و حضور واژگان ترکی در زبان فارسی شدید شد. دلیل دیگر می‌تواند وجود شعرای ترک‌زبان باشد، از جمله مولوی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، صائب تبریزی، فضولی، علیشیر نوایی، پروین اعتصامی و شهریار که به زبان فارسی شعر می‌سروده‌اند. در این بررسی سعی داریم فرایندهای صورت گرفته هنگام وام‌گیری واژه‌های ترکی را طبقه‌بندی کنیم.

۲- وام‌گیری

فرایند وام‌گیری یکی از رایج‌ترین و متداول‌ترین فرایندهای ساختوازی است. همان‌گونه که کریستال^۶ (۲۰۰۸) و تراسک^۷ (۲۰۰۳) بیان می‌کنند: قرابت جغرافیایی و فرهنگی بین زبان‌ها

5. borrowing

6. D. Crystal

7. R. Trask

که به عنوان تماس زبانی^۸ شناخته می‌شود، منجر به رشد و توسعه واژگان قرضی در فرایند وام‌گیری می‌شود؛ عاملی که به درستی به عنوان یک فرایند رایج و مصطلح در پیدایش واژگان جدید در تمامی زبان‌ها محسوب می‌شود.

هارتمن^۹ و استورک^{۱۰} وام‌گیری زبانی را فرایندی دانسته‌اند که طی آن، عناصری از یک زبان یا گویش به یک زبان یا گویش دیگر راه می‌یابند (۱۹۷۲: ۹۲). شقاقی نیز عنوان می‌کند که:

«یکی از راه‌های گسترش واژگان زبان، وارد کردن عناصر واژگانی از دیگر زبان‌ها یا گویش‌ها است؛ این کار را وام‌گیری می‌نامند. واژه‌ای که از زبان یا گویش دیگری به زبان وارد می‌شود، وام‌واژه نامیده می‌شود. گویشوران زبان‌ها، بنا به ضرورت، دست به وام‌گیری می‌زنند تا نیازهای خود را برآورده سازند.»

(۱۳۸۹: ۱۲۷)

به اعتقاد واین‌رایش^{۱۱}، استفاده از واژه‌های قرضی در تمامی زبان‌ها حاکی از این حقیقت است که استفاده از واژه‌های حاضر و آماده، اقتصادی‌تر از نام‌گذاری مجدد است (۱۹۶۳: ۷۵). هاگن^{۱۲} (۱۹۵۰: ۸۱) وام‌گیری را دوباره‌سازی الگوهای یک زبان در زبان دیگر می‌داند. بر اساس نظر آرلاتو^{۱۳} (۱۹۷۲: ۱۸۴) وام‌گیری زبانی فرایندی است که طی آن یک زبان یا گویش عناصری از یک زبان یا گویش دیگر را در خود می‌پذیرد. دورکین^{۱۴} چنین تعریفی از وام‌گیری ارائه می‌دهد: «در زبان‌شناسی، وام‌گیری شامل فرایندی است که در آن زبان یک ویژگی زبانی را به طور کامل و یا ناقص از زبانی به زبانی دیگر برگردان می‌کند» (۲۰۱۴: ۳).

وام‌گیری همیشه سرعتی بیشتر از سرعت نابودی کلمات داشته است. همان‌طور که باطنی می‌گوید: زایش واژه‌ها، حرکتی پرشتاب‌تر از مرگ آنها دارد؛ مثلاً واژه «اتومبیل» فوراً وارد واژگان زبان فارسی شد اما مدت‌ها طول کشید تا واژه‌های «درشکه» و «گاری» متروک شد (باطنی، ۱۳۵۴: ۲۰).

-
8. Language contact
 9. R. Hartman
 10. F. Stork
 11. V. Weinreich
 12. E. Haugen
 13. A. Arlotto
 14. Ph. Durkin

واژگان قرضی هنگام ورود به زبان می‌توانند دستخوش تغییرات و دگرگونی شوند که این از ویژگی‌ها و خصوصیات انعطاف‌پذیر بودن واژگان قرضی قلمداد می‌شود. همان‌طور که کای^{۱۵} بیان می‌کند، واژگان قرضی از جهت ورود و زمان ورود به زبان جزء مقولات باز محسوب می‌شوند. انعطاف‌پذیری واژگان قرضی در معنا و شکل، آنها را قادر می‌سازد تا به سادگی خود را با ساختارها و نیازهای زبان مقصد وفق دهند (۱۹۹۵: ۷۲).

۲-۱- فرایندهای وام‌گیری

در فرایند وام‌گیری زبانی، زبان مقصد عناصر زبانی را از زبان مبدأ به صورت‌های مختلفی وارد می‌کند. پژوهشگران زبان‌شناس، این فرایندها را بر اساس نوع رابطه زبان مبدأ و مقصد، میزان سادگی یا پیچیدگی فرایند و نیز شدت تغییرات اعمال‌شده بر واژه قرضی به دسته‌هایی تقسیم کرده‌اند، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۲-۱-۱- وام‌گیری مستقیم

هنگامی که زبانی به شکل مستقیم و تحت برخورد دو جامعه زبانی، عناصری را به زبانی دیگر قرض می‌دهد، وام‌گیری را مستقیم می‌نامند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۶۳). صفوی (۱۳۷۴: ۱۰۲) نمونه‌هایی از وام‌گیری مستقیم را در ورود واژه‌هایی چون «عمل» یا «جراحی» از عربی، «داشبورد» یا «کلاچ» از انگلیسی، «کودتا» یا «کنکور» از فرانسه، «بلیط» یا «کیوسک» از روسی، «اتوبان» یا «زیگزاگ» از آلمانی، «یلدا» یا «شنبه» از سریانی و «قوٹی» یا «گمرک» ترکی به زبان فارسی معرفی می‌کند.

شقایق (۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۳۱) وام‌گیری مستقیم را این گونه توضیح می‌دهد: در وام‌گیری مستقیم، واژه‌ای از زبان «الف» مستقیماً وارد زبان «ب» می‌شود. این واژه پس از ورود به زبان «ب» بر طبق قواعد آوایی زبان مقصد تغییراتی پیدا می‌کند تا تلفظ آن برای گویشوران آسان شود.

۲-۱-۲- وام‌گیری غیرمستقیم

هنگامی که زبانی به شکل غیرمستقیم و از طریق زبان یا زبان‌های دیگری، عناصری را به زبان قرض می‌دهد، وام‌گیری غیرمستقیم نامیده می‌شود؛ مانند واژه «شامپو» که در اصل هندی است و از طریق انگلیسی وارد فارسی شده است (صفوی، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

۲-۱-۳- ترجمه واژگانی

در ترجمه واژگانی یا گرده برداری تکواژهای واژه بیگانه به زبان قرض گیرنده ترجمه می‌شوند. مواد اولیه‌ای که برای این نوسازی به کار برده می‌شود، در زبان بومی موجود است (باطنی، ۱۳۵۴: ۴۸) و می‌تواند بومی یا قرضی از پیش موجود باشد. معادل‌هایی نظیر «آسمان‌خراش» برای skyscraper، «بلندگو» برای loudspeaker یا اصطلاحی تخصصی چون «ساخت واژ-واجی» برای morpho-phonemic structure نمونه‌هایی از این دست هستند.

۲-۱-۴- تعبیر واژگانی

در تعبیر واژگانی، واژه خارجی، تعبیر می‌شود و بر مبنای کاربرد و خاصیت عنصر فرهنگی قرض گرفته شده، واژه‌ای در زبان بومی ساخته می‌شود (همان: ۵۸). معادل‌هایی چون «ماشین‌نویس» برای typist یا «ضبط‌صوت» برای tape-recorder نمونه‌هایی از این دست هستند.

۲-۱-۵- ترجمه و تعبیر واژگانی

در این نوع فرایند معادل‌یابی، بخشی از ساختمان واژه خارجی ترجمه می‌شود و بخشی دیگر تعبیر می‌گردد. معادل‌یابی «هوایما» برای aeroplane یا «فضانورد» برای space-man نمونه‌هایی از کاربرد این فرایند هستند (همان).

۲-۱-۶- آمیزه واژگانی

معمولاً پس از ورود واژه‌ای قرضی به زبان قرض گیرنده، برای جلوگیری از ورود ترکیبات قرضی دیگر که از طریق آن واژه ساخته شده‌اند، از فرایند آمیزه واژگانی استفاده می‌شود. در این فرایند، واژه قرضی به عنوان واژه هسته در نظر گرفته می‌شود و وابسته‌هایی از زبان بومی در هم‌نشینی با آن قرار می‌گیرند. «فیلم‌برداری»، «رادیویی»، «اتفاقی»، «عکس برگردان»، «نظم‌پذیر»، «مبل فروشی»، «رادیوساز» و جز آن نمونه‌هایی از این دست هستند (صفوی، ۱۳۷۴: ۱۱۰).

۲-۱-۷- معادل‌سازی قیاسی

با ورود مجموعه‌ای از واژه‌های قرضی، ساخت این دسته از واژه‌ها به عنوان الگو در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند به معادل‌سازی بر حسب قیاس منجر شود. ورود واژه‌هایی چون «رقاص»، «حمال»، «بقال» و «رمال» از عربی به فارسی باعث شده است تا این الگوی واژه‌سازی عربی بتواند از «کفش» فارسی، واژه «کفاش» را به وجود آورد و از «قند» ترکی «قناد» را بسازد (همان).

۲-۲- انواع وام‌گیری

زبان دائماً در حال تغییر است. این تغییرات ممکن است شامل موارد زیر باشد: فرض اول این است که این تغییر ممکن است در حوزه واج‌شناسی، نحو و واژگان زبان باشد؛ فرض دوم این است که تغییرات باقاعده و نظام‌مند است؛ و سومین فرض این است که تنها نوع خاصی از تغییرات روی می‌دهد که این موارد اخیر طبیعی قلمداد می‌شوند (وارده‌اف^{۱۶}، ۱۹۹۷: ۱۹۸). محققین در اینجا به توضیح و بسط فرض اول بسنده می‌کنند.

۲-۲-۱- وام‌گیری واجی یا آوایی^{۱۷}

قرض‌گیری آوایی پدیده‌ای چندان معمول نیست و آن نوعی وام‌گیری است که طی آن الگوهای آوایی یک زبان وارد زبان دیگر می‌شوند. پس از این انتقال، الگوی زبان قرض‌دهنده خود را شبیه الگوی زبان قرض‌گیرنده می‌کند. مثلاً کلمه انگلیسی [lu:ster] پس از وام‌گیری توسط زبان فارسی با تلفظ [lu:ster] به حیات خود ادامه می‌دهد. واژه‌های قرضی در مرحله آغازین ورود به زبان از نظر آوایی به تلفظ اصلی‌شان نزدیک‌ترند اما پس از مدتی، مانند واژه‌های بومی به کار می‌روند. گاهی هم واژه‌های قرضی تحت تأثیر زبان قرض‌گیرنده از تلفظ اصلی خود خیلی دور می‌مانند (باطنی، ۱۳۵۴: ۸۳).

۲-۲-۲- وام‌گیری دستوری^{۱۸}

قرض‌گیری دستوری بسامد پایین‌تری نسبت به قرض‌گیری واژگانی دارد. به عنوان مثال می‌توان از صفت‌ها و قیده‌ها که جزء واژگان دستوری محسوب می‌شوند، مثال زد. همان‌طور

16. R. Wardhaugh

17. phonological borrowing

18. grammatical borrowing

که تدمور^{۱۹} و همکاران می‌گویند: «صفات (و قیدها) تقریباً همانند فعل‌ها به سختی قرض گرفته می‌شوند... وام‌گیری کلماتی هم که بار دستوری دارند (واژگان دستوری) نسبت به فعل‌ها بیشتر است... تنها ۱۲ درصد واژگان دستوری در فرایند وام‌گیری شرکت می‌کنند» (۲۰۱۰: ۲۳۱).

زبان‌شناسان، وام‌گیری دستوری را غیرمعمول‌ترین نوع وام‌گیری زبانی به شمار آورده و معتقدند دستور زبان تغییر چندانی نمی‌کند. در این نوع وام‌گیری، عناصر یا الگوهای صرفی، نحوی، نقش دستوری یا روابط دستوری یک زبان به زبانی دیگر راه می‌یابند. ترکیباتی مانند «مکه معظمه» یا «عتبات عالیات» بر پایه الگوهای عربی مطابقت صفت و موصوف از نظر جنس و عدد در فارسی مطرح نیست بلکه بر مبنای الگوی روابط دستوری قرضی عربی در فارسی به وجود آمده‌اند (مدرسی، ۱۳۸۷: ۷۳).

۲-۲-۳- وام‌گیری واژگانی^{۲۰}

وام‌گیری واژگانی زمانی روی می‌دهد که واژگانی از یک زبان (که در اصطلاح زبان اهدا دهنده و یا گاهی زبان منبع نامیده می‌شود) بر روی واژگان زبانی دیگر (که در اصطلاح زبان قرض‌گیرنده و یا گاهی زبان دریافت‌کننده نامیده می‌شود) تأثیر می‌گذارند، با این نتیجه که زبان قرض‌گیرنده شکلی^{۲۱} جدید و یا معنایی تازه و یا هر دو را از زبان اهداکننده به دست می‌آورد (دورکین، ۲۰۱۴: ۸).

معمولاً واژگان بی‌ثبات‌ترین بخش هر زبان هستند و آزادانه می‌توانند از زبانی به زبان دیگر وارد شوند بدون این‌که اثر قابل توجهی بر دستور یا واژگان زبان قرض‌گیرنده داشته باشند. ورود واژه‌ها و اصطلاحات یک زبان به زبان دیگر، وام‌گیری واژگانی نامیده شده است (همان: ۶۴). واژه‌هایی مانند کامپیوتر، سوبسید، ماشین، کارواش در زبان فارسی نمونه‌هایی از این نوع وام‌گیری هستند.

قرض‌گیری زبانی به ویژه قرض‌گیری واژگانی امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است و آثار آن را می‌توان در هر زبانی مشاهده کرد. به دلیل تغییرات فرهنگی، مذهبی، سیاسی و علمی،

19. U. Tadmor

20. lexical borrowing

21. form

واژگان جدیدی ساخته می‌شوند و واژگان قرضی از سایر زبان‌ها، مانند عربی، انگلیسی یا ترکی وارد فارسی می‌شوند.

۳. دوره‌های متفاوت ورود واژگان قرضی به زبان فارسی

پیگیری پیشینه وام‌گیری زبانی به منزله دنبال کردن تاریخ یک ملت است. مسائلی از قبیل اینکه مردم این جامعه در چه مکانی اسکان یافتند، بر کدام اقوام چیره شدند، کدام اقوام آنها را مغلوب کردند، الگوهای تجاری، پیشینه فکری و مذهبی و شکل‌گیری جامعه‌شان چگونه بوده است (فالك، ۱۹۷۸: ۵۰). سرزمین ایران در مدنیت دارای پیشینه‌ای طولانی است و طی این دوران، زبان فارسی واژه‌های فراوانی را از زبان‌های دیگر قرض گرفته اما در همه این دوران، وام‌گیری واژه‌های بیگانه همیشه یکسان نبوده است. در فرایند وام‌گیری در زبان‌های مختلف نیز گاه «در یک دوره تاریخی، واژه‌ها به شدت از زبانی قرض گرفته شده و در دوره‌ای دیگر، واکنشی منفی نسبت به آن نشان داده شده است» (همان: ۵۹).

به نظر دستورنویسان سنتی، زبان اصیل و پاک متعلق به دوره‌های گذشته است و تغییراتی که در آن روی می‌دهد همه نشان‌دهنده آشفتگی در زبان است که زبان نیاکان ما را به تباهی و فساد سوق می‌دهد. آشکار است که چنین فرضی خلاف ذات زبان است زیرا که زبان نیز مانند هر پدیده دیگری همواره در حال تغییر بوده و از راه همین تغییرات است که فارسی باستان به فارسی میانه و سپس به فارسی نوین تبدیل شده است (عزیز محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱). بنابراین در هر جامعه‌ای و در طول هر تاریخی زبان در حال تغییر بوده است. در این بین سهم وام‌گیری واژگانی بیشتر از عوامل دیگر است. کشور ما، ایران، به خاطر موقعیت جغرافیایی، سیاسی و تاریخی خاص خود همیشه مورد توجه ملل دیگر بوده و این عامل گاهی باعث سلطه بیگانگان بر کشور ما شده و در نتیجه خواسته یا ناخواسته با نفوذ مذهب، سیاست و علم آن ملل، زبان ما نیز دستخوش تغییر شده است. به طوری که هم‌اکنون می‌توان گفت بیش از نیمی از واژگان زبان فارسی قرضی هستند. می‌توان سه دوره زیر را برای ورود واژگان به زبان فارسی در نظر گرفت:

• دوره اسلامی تا مغول: در این دوره، واژگان آرامی، سریانی و عربی وارد زبان فارسی شدند که بیشتر به دلیل تغییر دین و مذهب بوده است. به عنوان مثال می‌توان به واژگانی مانند کفن، لحد، حج و استغفار اشاره کرد.

• دوره مغول تا قاجاریه: در این دوره بیشتر واژگان ترکی و مغولی و آن هم به دلیل تغییرات سیاسی و فرهنگی وارد زبان فارسی شدند. مثلاً کلمات مغولی آقا، خانم، تومان، یورش، یورتمه، بیلاق، قشلاق، ... و کلمات ترکی گلنگدن، تفنگ، آش، بشقاب، قاشق، قیچی، قوطی و ... به زبان فارسی راه یافتند.

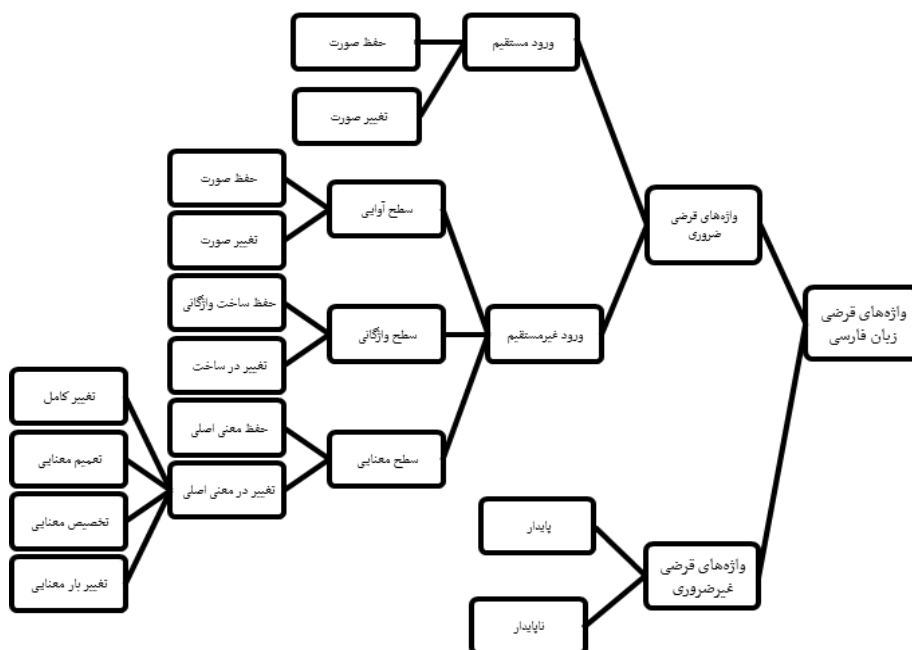
• دوره قاجاریه و پس از آن: از این زمان تاکنون، واژگان روسی و اروپایی وارد زبان فارسی شدند که بیشتر به دلیل تغییرات سیاسی، فرهنگی و علمی بوده است. به عنوان مثال کلمات روسی سارافون، شابلون، باک، ساسات، واگن، سماور، کالسکه، استکان راه خود را به زبان فارسی باز کردند. واژگان فرانسوی همچون آرم، آژان، آسفالت، آژانس، آپارتمان، کوپن، کودتا، روز، سشوار، رژیم، آناناس، اتوموبیل و آباژور نیز وارد زبان فارسی شدند. واژگان انگلیسی نیز از این قافله عقب نمانده و خود را وارد این عرصه کردند که می‌توان واژه‌های استادیوم، استارت، اسلاید، اسپرت، پنچر، تیم، گت، داشبورد، کامپیوتر و فیوز را در این مرحله نام برد. برای کلمات ایتالیایی نیز می‌توان نمونه‌های سناریو، کنسرت، پیتزا و کازینو را برشمرد. در این دوره واژگانی نیز از آلمان به صورت واژگان قرضی وارد زبان فارسی شدند که می‌توان مثال‌های اتوبان، فیلم، زیپ، زیگزاگ و ... را ذکر کرد.

۴. پیشینه

در زمینه بررسی کلمات قرضی در زبان فارسی بررسی‌های زیادی از جنبه‌های مختلف صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به فصل هفت کتاب مبانی صرف شقاقی (۱۳۶۸) که به بررسی اصول کلی وام‌گیری پرداخته است اشاره نمود. همچنین قاسمی و ستاری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای کلمات قرضی را به ده مقوله معنایی دسته‌بندی نموده‌اند که عبارتند از:

- ۱- نظامی ۲- دینی ۳- مذهبی ۴- علمی ۵- آموزشی ۶- اداری ۷- اقتصادی ۸- تجاری ۹- نظامی ۱۰- فرهنگی و اجتماعی ۱۱- صنعتی ۱۲- سرگرمی و ورزشی ۱۳- مشاغل ۱۴- منابع طبیعی
- محمدی (۱۳۸۲) نیز در مقاله‌ای به بیان انواع وام‌گیری و گرتنه‌برداری و انواع آن و علل وام‌گیری پرداخته است. همچنین علیزاده (۱۳۸۲) عوامل مؤثر در وام‌گیری را مورد بررسی قرار داده و روش‌های واژه‌گزینی در زبان فارسی و نقاط قوت و ضعف هر یک را مورد

پژوهش قرار داده است. وی همچنین نشان داده است که اگر وام‌گیری به شیوه درست و اصولی به انجام برسد، می‌تواند غنای واژگانی زبان فارسی را نیز به دنبال داشته باشد. صفوی (۱۳۷۴) نیز طبقه‌بندی کلی واژه‌های قرضی زبان فارسی را به شکل زیر ارائه داده است:



نمودار شماره (۱). طبقه‌بندی واژه‌های قرضی در فارسی

با وجود پژوهش‌هایی از این دست، بررسی نگارندگان نشان داد که تغییرات ساختواژی صورت گرفته در فرایند وام‌گیری زبان فارسی از زبان‌های مختلف کمتر مورد پژوهش بوده است؛ لذا در این مقاله به بررسی انواع فرایندهای ساختواژی در پدیده وام‌گیری زبان فارسی از زبان ترکی خواهیم پرداخت.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای بوده است. بدین منظور، ابتدا از کتاب یک هزار واژه اصیل ترکی در پارسی، اثر نائبی (۱۳۸۰) استفاده شد. این کتاب شامل هزار واژه ترکی است، که حدوداً از دوران باستان به تدریج وارد زبان فارسی شده‌اند.

نگارندگان مقاله حاضر با مطالعه تک‌تک واژه‌های موجود در این کتاب، به بررسی انواع ساختمان موجود در واژگان قرضی زبان مبدأ (ترکی) و زبان مقصد (فارسی) پرداختند و آنها را در طبقه‌بندی ساده، مرکب، مشتق و مشتق‌مرکب قرار دادند. همچنین واژه‌هایی که به صورت وند قرض گرفته شده‌اند و یا برعکس، وندهایی که به صورت واژه قرض گرفته شده‌اند، را نیز در ۲ گروه مجزا جای دادند.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

محققین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها هزار واژه موجود در کتاب نائی (۱۳۸۰) را مورد بررسی قرار دادند. بررسی انواع تغییرات ساختواژی اعمال‌شده بر واژه‌های قرضی نشان داد که در مجموع ۷ حالت در این تغییرات ساختواژی قابل مشاهده است. در بخش بعد ضمن بیان حالات مذکور نمونه‌هایی از واژه‌های وام‌گیری‌شده در هر فرایند نیز ارائه می‌شود. در هر یک از بخش‌های ذیل ابتدا واژه قرضی به کار رفته در زبان فارسی ارائه می‌گردد، سپس واژه مبدأ که در اینجا ترکی است به همراه مختصر اطلاعاتی از آن واژه در اختیار قرار می‌گیرد. قابل ذکر است که از هر فرایند فقط چند نمونه به تفکیک ارائه خواهد شد.

۵-۱- واژه‌های ساده ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت ساده به کار رفته‌اند

از مجموع هزار واژه مورد بررسی واردشده از ترکی به فارسی، ۳۱۱ واژه از نوع ساده بودند. می‌توان گفت تقریباً صد درصد (۳۱۰ واژه از ۳۱۱ واژه ساده) واژه‌های ساده ترکی واردشده به زبان فارسی بدون تغییر ساختار به همان صورت ساده در زبان فارسی به کار رفته‌اند و تنها یک واژه ساده به صورت وند به کار رفته است. نمونه‌هایی از این واژه‌ها عبارتند از:

جدول شماره (۱). واژه‌های قرضی ساده ترکی به ساده فارسی

واژه ترکی	واژه قرضی در فارسی	توضیحات
ʔɑqiz	آغوز	شیر نخست بعد از زایش، ابتدای هر چیز؛ در بعضی دهات ترک به آن کالا هم می‌گویند؛ =ʔɑqizʔɑndz:rmɑq = آغوز خوراندن.

دارائی، موجودی، سود، بر، میوه؛ اکنون هم کاربرد این ریشه (بار) در ترکی به مراتب بیشتر از فارسی است. =barlɔ = پربار، بی‌بار، =barsuz، بار درخت، =ɮʔqɑdʒ barə	بار	(ترکی باستان) bar (ترکی معاصر) var
از مصدر baxlamɑq (= بستن) = بسته، سر بسته، از حبوبات خوراکی که در داخل غشائی قرار می‌گیرد.	باقلا	baxɮɑɮ و baxɮɑ
از مصدر ترکی توخوماق toxmaq (= بافتن)، احتمالاً دوختن هم از همین ریشه است؛ کینه‌توزی = کینه توختن = کینه بافتن؛ در فارسی بافتن مصدر معادل آن است. البته معنای توختن در فارسی تعمیم یافته است.	توختن	toxmaq
ده هزار، واحد پولی معادل ده هزار لیر	تومان	tomæn

۵-۲- واژه‌های مشتق ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت ساده به کار رفته‌اند

از مجموع هزار وام‌واژه ترکی در فارسی که در این پژوهش بررسی شد، بیشترین فراوانی از آن واژه‌های ترکی مشتق بود. در مجموع، ۵۹۲ واژه مشتق ترکی در داده‌ها وجود داشت که صد درصد آنها هنگام ورود به زبان فارسی به عنوان واژه‌های ساده قرض گرفته شده‌اند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت واژه‌های مشتق تمایلی به انتقال ساختواژه خود به زبان قرض‌گیرنده ندارند. نمونه‌های زیر تغییر یادشده را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲). واژه‌های قرضی مشتق ترکی به ساده فارسی

واژه مشتق ترکی	ساختار ساختوازی	واژه ساده قرضی در فارسی	توضیحات
ʃɮɑɮɑq	ʃɮɑɮ + ʔɑq تلاش کردن + (وند)	چالاک	تلاشگر، رزمجو
ʔɑjnɑ	ʔɑj + nɑ آی (ماه) + نا (وند)	آئینه	ماه‌وش، ترکیب آئینه مانند دُرنا و قیرنا
ʔɑʃɪmɑq	ʔɑʃ + ʔɑr آچ (آچماق باز کردن) + ار (وند فاعل ساز)	آچار	بازکننده، کلید، وسیله مکانیکی برای باز کردن پیچ‌ها و مهره‌ها؛ وند فاعل ساز ار/ ر در چاپار، یاشار و یئتر j3ʔt3r هم دیده می‌شود.
jaɪɮɑq	jaɪ + ɪɑq یای (تابستان) + لاق (وند)	بیلاق	تابستانه، جای مطبوع و خنک و قابل زندگی در تابستان

حرکت دادن اسب به صورت یک پا و یک دست در هر قدم، حالت اجباری از مصدر یورماق $ma + j\ddot{u}rmaq$ (وند) = نوعی راه رفتن اسب، رفتار به شتاب، یورغه یا یرغه	یورتمه	jörtmaq یورتماق	jörtmә
---	--------	--------------------	--------

۳-۵- واژه‌های مرکب ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند واژه‌های مرکب موجود در واژگان قرضی تحقیق همگی پس از ورود به زبان فارسی تبدیل به واژگان ساده می‌شوند. در این انتقال واژه نیز زبان قرض گیرنده از ساختار ساختواژه زبان قرض دهنده تبعیت نمی‌کند. مثال‌های زیر این ادعا را ثابت می‌کند.

جدول شماره (۳). واژه‌های قرضی مرکب ترکی به ساده فارسی

واژه مرکب ترکی	ساختار ساختواژی	واژه ساده قرضی در فارسی	توضیحات
?astojan	$\text{?ast} + \text{jan}$ آست (زیر، پائین، مقابل) اوست ($\text{?ust} = \text{رو}$) + یان (طرف)	آستان	پائین دست، طرف پائینی خانه، پیشگاه، پائین دامن، آستانه = آستانا ?astana = به طرف پائین، پیشگاه، مطلع
?ajvәz	$\text{?aj} + \text{vәz}$ آی (ماه) + وز (شبیبه)	عیوض و عوض	مانند ماه، زیبارخ، نام یکی از دلیران کوراغلو قهرمان ملی آذربایجان؛ متأسفانه عمداً یا سهواً این نام پرمغز را به صورت عیوض و عوض (که اصلاً مناسب برای نام نیست) می‌نویسند. البته در برهان قاطع این اسم با معنی آراسته و پیراسته درج شده است.
xanim	$\text{xan} + \text{im}$ خان + من	خانم	عنوانی که ترک‌ها خانم‌های خود را به خاطر ادب و تواضع صدا می‌کنند.
?uzun boron	$\text{?uzun} + \text{boron}$ اُوزون (دراز، بلند) + بُرون (دماغ)	اوزون برون	دماغ دراز، نام یک نوع ماهی با بینی دراز

نام سابق همدان که بعداً به هگمتان و هگمتان و هگمتانه نیز تغییر یافت.	اکباتان	𐭪𐭣𐭥 + batan آغ (سفید، وسیع و باز) + باتان (وطن سفید یا گسترده و باز)	=𐭪𐭣𐭥batan 𐭪𐭣𐭥batan
--	---------	--	-----------------------

۵-۴- واژه‌های مشتق مرکب ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند

در این وام‌گیری نیز واژه‌های قرض گرفته شده همگی به صورت واژه‌های ساده به کار می‌روند. به نظر می‌رسد زبان قرض گیرنده تمایلی به تبعیت از ساختواژه زبان قرض دهنده ندارد. در زیر نمونه‌های این نوع وام‌گیری آمده است.

جدول شماره (۴). واژه‌های قرضی مشتق ترکی به ساده فارسی

واژه مشتق مرکب ترکی	ساختار ساختوازی	واژه ساده قرضی در فارسی	توضیحات
𐭪𐭥rd𐭣𐭣𐭣𐭣𐭣𐭣	𐭪𐭥r + d𐭣𐭣 + j𐭣𐭣 ار (پهلوان) + دالا (به زمین زدن با ضربت و سرعت) + یان (وند فاعلی)	اردلان	بر زمین کوبنده، نام آقا
𐭪𐭣𐭣s𐭪𐭥𐭣𐭣	𐭪𐭣𐭣 + s𐭪𐭥 + 𐭪𐭥𐭣𐭣 شاه + سئ (سئومک دوست داشتن) + ان (وند فاعلی)	شاهسون	شاه‌دوست، حامی شاه، قبائل بزرگ طرفدار شاهان صفوی که بنا به دعوت شاه عباس کبیر قبیله‌ای به همین نام از آسیای صغیر به اردبیل آمدند و در آن سکنی گزیدند. ایل سون ilsɔvæn نیز به آنها گفته می‌شود.
𐭪𐭥rs𐭣𐭣𐭣	𐭪𐭥r + s𐭣𐭣 + 𐭪𐭣𐭣 ار (پهلوان) + سال (سالماق انداختن، برانداختن) + ان (وند فاعلی)	ارسلان	پهلوان انداز، مردافکن، شیر، به صورت اسلان و آسلان و اصلان نیز می‌آید؛ ارسلانلی 𐭪𐭥rs𐭣𐭣𐭣𐭣 = ارسلان (شیر) + لی (وند ملکی) = شیردار، شیرنشان، سکه دارای نشان شیر، غروش: قزل ارسلان قلعه‌ای سخت داشت که کردن به الوند برمی‌فراشت (سعدی)

۵-۵- واژه‌های ساده ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت وند به کار رفته‌اند از بین هزار واژه بررسی شده ترکی در این تحقیق فقط یک مورد یافت شد که بعد از ورود به زبان قرض‌گیرنده تغییر مقوله داده و به صورت وند به کار رفته است، که مثال آن در جدول (۵) مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۵). واژه‌های قرضی ساده ترکی به وند فارسی

واژه ساده ترکی	ساختار ساختواژی	وند فارسی	توضیحات
vɑɾ	vɑɾ فعل	وار	هست، دارا، صاحب، به صورت پسوند در انتهای بعضی کلمات. مانند: خانوار، جانور، عیال‌وار، سوگوار، امیدوار؛ البته در فارسی پسوند وار معانی و وظایف گوناگون دارد ولی با این وظیفه مذکور مشخص است که از ترکی کمک گرفته است.

۵-۶- وندهای ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت وند به کار رفته‌اند از ۹ مورد وند موجود در واژگان بررسی شده در این تحقیق، ۶ مورد بدون تغییر مقوله مجدداً به صورت وند به کار رفته‌اند که می‌توان ادعا نمود وندها برای تغییر مقوله از خود مقاومت نشان می‌دهند. موارد یافته‌شده این ادعا را اثبات می‌کند.

جدول شماره (۶). وندهای قرضی ترکی به وند فارسی

وند ترکی	ساختار ساختواژی	وند فارسی	توضیحات
bɑz	bɑz وند	باز	پسوندی که شدت علاقه به کاری خاص را می‌رساند: دغل باز = دغل‌کار و عاشق دغل‌کاری، کلک باز = کسی که کارش دوزوکلک است؛ باز اولماق = عاشق شدن
lɑx	lɑx وند	لاخ	پسوندی در انتهای اسم در مفهوم وفوری آن اسم در آن منطقه: سنگلاخ = سنگزار، سنگلاخ، دیولاخ، اهریمن لاخ. ولی در موارد دیگر هم ترکیب این پسوند را می‌توان دید: رودلاخ، آتش لاخ، هندولاخ.
ʧi	ʧil + ʧi ايلچي = ʧilʧi = ائل (ایل) + چي (وند) شغل ساز =	چی	سفیر، پیغام‌رسان، خواستگار؛ ایلچی خانه = سفارتخانه: سَرَم فدای تو ای ایلچی خجسته سیر × مگو زبان فرنگی بگو زبان دگر (امثال و حکم)

پسوندهای «چی» در انتهای کلمات مبین شغل است: ابریشمچی، ساعتچی	چی	ʃi پسوندهای شغلی	ʃi
باشی = باشی = baʃu = پسوندهای به معنی رئیس و متصدی و متخصص: حکیم‌باشی، آشپزباشی، قورچی باشی	باشی	baʃu پسوندهای شغلی	baʃu
سان = سان san = شبیه، عظمت، اعتبار؛ پسوندهای در انتهای اسم برای بیان شباهت	سان	san پسوندهای شباهت	san
چه = چه ʃə = پسوندهای «چه» برای تصغیر یا تحبیب از وندهای ترکی باستان به صورت‌های «چه-چا»: بچه، آغچا ʔqʃə	چه	ʃə پسوندهای تصغیر	ʃə

۵-۷- وندهای ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند همان‌طور که در اکثر موارد فوق مشاهده شد، واژگان قرضی میلی به پیروی از ساختارواژه زبان قرض‌گیرنده ندارند. در این نوع تغییر نیز حدود ۳۳ درصد از وندهای یافت‌شده، تغییر مقوله داده و به واژه ساده تبدیل شده‌اند. وندهای مذکور در زیر آورده شده‌اند.

جدول شماره (۷). وندهای قرضی ترکی به واژه ساده فارسی

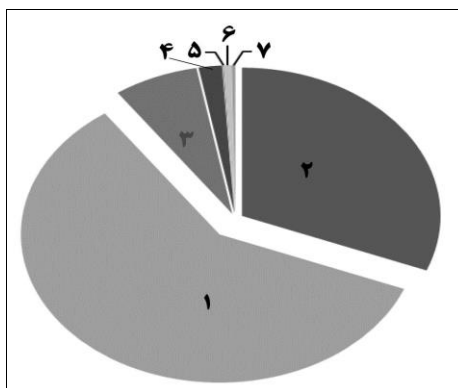
توضیحات	واژه ساده	ساختار ساختارواژی	وند ترکی
از القاب خانم‌های شاهان ترک، پسوندهای نام خانم‌های صاحب‌مقام، خواتین جمع عربی آن است.	ملکه دربار	xatın وند	xatın
آباد = آباد ʔapad، آوا ʔava، اووا ʔavva، آواد ʔavad = از ریشه‌های قدیمی ترک به معنای جای خرم و سرسبز، محل زندگی آدمی، به صورت پسوندهای در انتهای اکثر روستاها، آبد در عربی نیز جمع این ریشه است: ابدالآباد = منتهی الآباد، آوادانلیق ʔavadanlıq = آبادانی؛ احتمالاً اووا ʔubə نیز محرف همین کلمه است و ریشه اصلی آباد نیز همان اووب ʔub (محل زندگی) است. در واقعیت هم جای زندگی انسانی را آبادی می‌گویند نه جای پر آب را! که اگر غیر این بود بایستی دریاها و جزائر را بزرگ‌ترین	آباد	ʔapad وند	ʔapad

<p>آبادی‌ها می‌پنداشتیم. احتمال خیلی قوی ائو ?U (= محل زندگی) نیز محرف همین اوب باشد. پسوند آوا?AVVA از قدیمی‌ترین پسوندها در انتهای نام دهات ترک است</p>			
<p>بیگم = بیگیگم = bəgum = بیگ (م.ه) + bujug + یم um (ضمیر ملکی، مال من) = بیگ من، پسوند نام خانم‌های صاحب‌مقام، ملکه، ترک‌ها برای احترام و محبت همراه اسم، ضمیر ملکی نیز می‌آوردند، مانند: خانیم، بیگیگم، غلام، گولوم gulum، بالام balam، آیم Ajum? و ...</p>	<p>بیگم</p>	<p>بیگم = بیگیگم bəgum = بیگ (م.ه) bujug + یم um (ضمیر ملکی، مال من)</p>	<p>بیگم = بیگیگم bəgum = بیگ (م.ه) bujug + یم um (ضمیر ملکی، مال من)</p>

خلاصه اطلاعات حاصل از تحلیل داده‌ها در بخش ۷ به ترتیب فراوانی تغییرات مشاهده شده در فرایند وام‌گیری در جدول و نمودار شماره (۱) در قسمت ذیل ارائه گردیده است.

جدول شماره (۸). فراوانی انواع تغییرات ساختوازی در فرایند وام‌گیری

درصد	فراوانی	فرایند صورت گرفته هنگام وام‌گیری
۵۹٪	۵۹۲	۱. واژه‌های مشتق ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
۳۱٪	۳۱۰	۲. واژه‌های ساده ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
۶/۹٪	۶۹	۳. واژه‌های مرکب ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
۱/۹٪	۱۹	۴. واژه‌های مشتق مرکب ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
۰/۶٪	۶	۵. وندهای ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت وند به کار رفته‌اند.
۰/۳٪	۳	۶. وندهای ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
۰/۱٪	۱	۷. واژه‌های ساده ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت وند به کار رفته‌اند.



۱. واژه‌های مشتق ترکی به صورت واژه فارسی
۲. واژه‌های ساده ترکی به صورت واژه ساده فارسی
۳. واژه‌های مرکب ترکی به صورت واژه ساده فارسی
۴. واژه‌های مشتق مرکب ترکی به صورت واژه ساده فارسی
۵. وندهای ترکی به صورت وند فارسی
۶. وندهای ترکی به صورت واژه ساده فارسی
۷. واژه‌های ساده ترکی به صورت وند فارسی.

نمودار شماره (۲). درصد انواع تغییرات ساختوازی

نتیجه‌گیری

نگارندگان مقاله حاضر با بررسی تعداد یک هزار واژه قرضی که از ترکی وارد فارسی شده‌اند، به طبقه‌بندی واژه‌های قرضی بر اساس نوع واژه و تغییراتی که پس از قرض‌گیری در آنها رخ داده است، پرداخته و تغییراتی که رخ می‌دهد را به این صورت دسته‌بندی نموده‌اند. در این پژوهش دسته‌بندی جدیدی از تغییرات ساختواژی در واژه‌های قرضی زبان فارسی وارد شده از زبان ترکی ارائه گردیده است. بر اساس اینکه عنصر قرضی در زبان مبدأ وند بوده یا واژه و اگر واژه بوده ساده، مرکب، مشتق یا مشتق‌مرکب بوده است، در زبان مقصد چه وضعیتی پیدا کرده است، این واژگان به هفت دسته تقسیم گردیده‌اند.

- ۱- واژه‌های ساده ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
- ۲- واژه‌های مشتق ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
- ۳- واژه‌های مرکب ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
- ۴- واژه‌های مشتق‌مرکب ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.
- ۵- واژه‌های ساده ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت وند به کار رفته‌اند.
- ۶- وندهای ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت وند به کار رفته‌اند.
- ۷- وندهای ترکی که بعد از فرایند وام‌گیری به صورت واژه ساده به کار رفته‌اند.

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که زبان فارسی حساسیت چندانی به ساختار ساختواژی کلمه‌های وام گرفته شده ندارد و در اکثر موارد آنها را به عنوان واژه‌های ساده شناسایی کرده و به کار می‌گیرد. همان‌گونه که جدول شماره ۸ و نمودار ۲ نشان می‌دهد، بیش از ۵۹٪ از واژه‌های ترکی قرض‌گیری شده، واژه‌های مشتقی بودند که در فرایند وام‌گیری به عنوان واژه ساده به کار رفته‌اند. بدیهی است که با این روند، واژه‌های ساده ترکی قطعاً همگی در زبان مقصد نیز به عنوان واژه ساده به کار می‌روند. چنین واژه‌هایی ۳۱٪ از مجموع داده‌های این تحقیق را تشکیل می‌دهد. در بین سایر فرایندها نیز ساده‌سازی واژه‌های ترکی در زبان مقصد یعنی فارسی در رتبه بعدی قرار داشته و سایر فرایندها با فراوانی اندک در رتبه‌های چهارم تا هفتم قرار دارند.

بررسی فرایندهای ساختواژی در فرایند وام‌گیری بین زبان فارسی و سایر زبان‌ها و نیز بین زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایران می‌تواند اطلاعات سودمندی درباره شیوه واکنش زبان فارسی به ساختواژه زبان‌های دیگر در اختیار پژوهشگران قرار دهد. پس از ترکی، به عنوان یکی از پرنفوذترین زبان‌ها در فارسی، نیاز به پژوهش‌های مشابه در مورد واژگان قرضی عربی، انگلیسی، کردی، روسی و فرانسه نیز احساس می‌شود. این موضوع می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی در پژوهش‌های ساختواژی و همچنین مطالعات زبان‌شناسی شناختی ایجاد نماید.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴). *زبان و تفکر*. تهران: زمان.
- شفاقی، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- صفوی، کورش (۱۳۷۴). *واژه‌های قرضی در زبان فارسی*. *نامه فرهنگ (نشریه علوم اجتماعی شماره ۱۹)*، تهران، ۹۶ - ۱۱۱.
- عزیزمحمدی، فاطمه (۱۳۸۲). *بررسی برخی فرایندهای رایج قرض‌گیری در زبان فارسی*. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، سال ۱۸، شماره ۴-۳، شماره پیاپی ۴۰، ۷۱-۷۴.
- علیزاده، علی (۱۳۸۲). *پدیده قرض‌گیری در زبان*. *نشریه میان رشته‌ای ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند*، شماره ۳، ۱۳۷ - ۱۴۸.
- قاسمی، حسین و مریم ستاری (۱۳۸۹). *مهم‌ترین عوامل و دوره‌های ورود واژگان قرضی در زبان فارسی و طبقه‌بندی معنایی آنها*. *اندیشه‌های ادبی*، دوره ۲، شماره ۵، ۱۵۵ - ۱۶۵.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نائبی، محمدصادق (۱۳۸۰). *واژگان زبان ترکی در فارسی*، تهران: پیام.

Arlotto, A. (1972). *Introduction to Historical Linguistics*. Boston: Houghton Mifflin.

Crystal, D. (2008). Language contact. *The Cambridge encyclopedia of language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Durkin, Ph. (2014). *Borrowed Words: A History of Loanwords in English*. Great Britain: Oxford University Press.

Falk, J. S. (1978). *Linguistics and Language: A Survey of Basic Concepts and Implications*. Scott, Foresman.

- Hartman, R. and F. Stork (1972). *Dictionary of Language and Linguistics*. London: Applied Science Publishers.
- Haugen, E. (1950). The Analysis of Linguistic Borrowing. In: A. S. Dil (Ed.), *The Ecology of Language, Essays by E. Haugen*. Stanford: Stanford University press
- Kay, G. (1995). English loanwords in Japanese. *World English*, 14(1). 67-76.
- Tadmor, U., M. Haspelmath, and B. Taylor (2010). Borrow ability and the notion of basic vocabulary. *Diachronica*, 27, 226-46.
- Trask, R. (2003). *Historical linguistics*. London: Hodder Arnold.
- Wardhaugh, R. (1997). *Introduction to linguistics*. New York: McGraw-hill Inc.
- Weinreich, V. (1963). *Language in Contact*. The Hague: Mouton.

توضیحات

- ۱- مثال‌ها از کتاب واژگان زبان ترکی در فارسی نوشته محمد صادق نائیب گرفته شده است.
- ۲- آوانویسی مثال‌ها با استفاده از الفبای IPA انجام شده است.